



دورنما

## اذعان رئیس‌جمهور فرانسه به افول غرب

# پایان تاریخ به روایت ماکرون



■ **دکتر سیدر شا میرطاهر**

امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه ششم شهر یور (۲۸ آگوست) در جریان نشست کنفرانس سفیران در پاریس، درباره افول قدرت غرب و به ویژه «خطر تضعیف اروپا» هشدار داد و گفت: «بر این باورم امور بین‌الملل در حال پیچیده‌تر شدن است و به دنبال آن خطر تضعیف غرب و به شکل ویژه اروپای سا وجود دارد. باید در این زمینه شفاف باشیم بدون اینکه بی‌حد به ماجرا بددین شویم.»

■ ■ ■

اذعان رئیس‌جمهور فرانسه به افول غرب و به ویژه تضعیف اروپا با توجه به روند فزاینده قدرت‌گیری قدرت‌های شرقی و نقش و سهم فزاینده آنها در سیاست، اقتصاد و تجارت جهانی معنا می‌یابد، به ویژه سهم اروپا در این عرصه‌ها روندی نزولی را طی کرده است. مکرون در موضع ضعف غرب به نکاتی اشاره کرده و گفته است: «نخست اینکه ما شاهد کاهش عینی جمعیت، ثروت تولیدشده و سهم‌مان در تجارت جهانی هستیم. این مسئله نسبت به آنچه در جریان بحران ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۰میلادی دیده شد، شهودت است.» وقوع جنگ اوکراین و دنباله‌روی اروپا از امریکا در حمایت کامل نظامی و تسلیحاتی از اوکراین به همراه اعمال بی‌سابقه‌ترین و گسترده‌ترین تحریم‌ها علیه روسیه و کاهش شدید صادرات نفتی و گازی مسکو به اروپا

■ چشم انداز

موجب بر روز بحران‌های اقتصادی و اجتماعی در کشورهای اروپایی شده است و تداوم این جنگ، موجب عمیق‌تر شدن آن خواهد شد. پیش از این نیز در بهمن ۱۳۹۸ (فوریه ۲۰۲۰) امانوئل مکرون در سخنرانی خود در نشست کنفرانس امنیتی مونیخ به تضعیف نقش غرب در عرصه جهانی و تغییر موازنه قدرت در جهان با توجه به ظهور قدرت‌های جدید اعتراف کرده بود. او گفته بود: «ما می‌توانیم بعضی ضعف‌های مشخص غرب را ببینیم. ارزش‌ها تغییر یافته و قدرت‌های جدیدی ظهور کرده‌اند.» وی ضمن اینکه از اروپا خواسته بود «استراتژی حاکمیتی» خود را در عرض یک دهه توسعه دهد، خاطر نشان کرد: «ما در حال تبدیل شدن به قاره‌ای هستیم که به آینده خود باور ندارد.»

■ **انکار واقعیت**
به رغم تشدید این روند و با وجود شواهد آشکار درباره روند رو به افول نفوذ غربی‌ها در جهان، اما آنها به ویژه ایالات‌متحده همچنان این مسئله را انکار می‌کنند و درصدد تثبیت هژمونی رو به زوال غرب هستند. با وجود شواهد آشکار درباره روند رو به افول نفوذ غربی‌ها در جهان، اما واشنگتن همچنان این مسئله را منکر شده و مدعی هژمونی امریکاست. مایک پمپئو، وزیر خارجه وقت امریکا در سخنرانی خود در کنفرانس امنیتی مونیخ در فوریه ۲۰۲۰ گفت: «غرب در حال پیروزی است. ما دسته‌جمعی در حال پیروزی

هستیم.» واقعیت غیرقابل کتمان این است که بین ادعای این مقام امریکایی و روند‌های واقعی در عرصه جهانی فاصله بسیاری وجود دارد. همچنان که برخی مقامات ارشد غربی مانند رئیس‌جمهور فرانسه به این ادعان کرده‌اند.

در دوره پسا جنگ سرد به رغم تلاش امریکا به عنوان سردمدار غرب برای حفظ نظام تک قطبی و حفظ سیطره غربی‌ها بر جهان، روند‌های جهانی در ابعاد مختلف باعث ظهور



«فرانسسیس فوکویاما» اندیشمند امریکایی از پایان تاریخ سخن به میان آورد، گویی غربی‌ها بر این گمان هستند که ارزش‌ها و اهداف، فقط همان چیزی هستند که از نگاه آنها اعتبار دارند، ولی حالا اعلان امانوئل مکرون به افول غرب و به ویژه فزاینده قدرت‌گیری قدرت‌های شرقی و نقش و سهم فزاینده آنها در سیاست و اقتصاد و تجارت جهانی معنا می‌یابد

## پیر الممل

سرویس بین‌الملل ۶۰-۸۸۵۲۲

تلاش‌های زیادی برای گسترش هژمونی خود در جهان انجام داد، با این حال اوضاع جهانی و نظام بین‌المللی دچار تغییرات بنیادین شده و اکنون سران غربی خود به پایان دوره سلطه غرب اذعان می‌کنند. در واقع موضع اخیر مکرون که گفت سناختار کنونی جهان در حال پیچیده‌تر شدن بوده و در نتیجه خطرات بیشتری را برای غرب و اروپا ایجاد خواهد کرد از همین زاویه است.

■ **جدال بزرگ**

بین قدرت‌های مسلط غربی و قدرت‌های رقیب در سطح جهانی جدالی در حال وقوع است. غربی‌ها بارها لیبرال دموکراسی را به مثابه ایدئولوژی برتر سیاسی در جهان به تصویر کشیده‌اند و حتی پس از پایان جنگ سرد «فرانسسیس فوکو یاما» اندیشمند امریکایی از پایان تاریخ سخن به میان آورد. گویی غربی‌ها بر این گمان هستند ارزش‌ها و اهداف، فقط همان چیزی هستند که از نگاه آنها اعتبار دارند و کشورهایی که عقیده و ایدئولوژی یا خاستگاه تمدنی دیگری دارند، باید با غربی‌ها همسران و هم‌داستان شوند، به همین دلیل است که امریکا، روسیه را بزرگ‌ترین تهدید برای نظم جهانی خوانده و خواهان مقابله با آن شده است، زیرا مسکو ارزش‌های غربی را که به مثابه ارزش‌هایی جهانشمول تبلیغ می‌شوند، قبول ندارد و خواهان احترام به قواعد بین‌المللی از جانب غربی‌ها به ویژه امریکاست. اکنون نیز امریکا در قالب سیاست‌های یکجانبه‌گرایانه خواهان تحمیل اهداف و ارزش‌های خود بر دیگر کشورهاست. این رویکرد امریکا با مخالفت سازمان ملل مواجه شده است. ماریا فرناندا اسپینوزا، رئیس‌وقت مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۲۰ در این زمینه گفته است: «مواجهه با آشفتگی فزاینده در جهان» تنها در سایه «چندجانبه‌گرایی» ممکن است.

امریکا به عنوان سردمدار بلوک غرب به شدت مخالف تقویت چندجانبه‌گرایی است و تلاش می‌کند همچنان نقش هژمون خود را در عرصه بین‌المللی از طریق اعمال زور و تحمیل خواسته‌های خود به دیگر کشورها حفظ کند، با این حال شواهد حاکی از انزوای روزافزون ایالات‌متحده به دلیل اقدامات یکجانبه‌گرایانه و زورمدرانه‌ها است، ضمن اینکه شرکای اروپایی واشنگتن نیز که همراهی زیادی با امریکا در راستای حفظ نظم بین‌المللی لیبرال و مبتنی بر هژمونی غرب دارند، با واقعیتی تلخ یعنی نزول مقام نقش و سهم اروپا در عرصه سیاست، اقتصاد و تجارت جهانی مواجه هستند؛ مسئله‌ای که امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه تاکنون چندین بار به آن اذعان کرده است. مکرون در مراد ۱۳۹۸ (اگوست ۲۰۱۹) نیز گفت: «تاکنون در پایان دوره سلطه غرب بر جهان زندگی می‌کنیم و این موضوع، ناشی از اشتباهات غرب در گذشته است.» نکته مهم اینکه روند افول نفوذ غرب در عرصه جهانی تا حد زیادی به دلیل عملکرد نادرست غربی‌ها در جهان است که در قرن اخیر در قالب استعمارگری و امپریالیسم مستقیم‌های زیادی بر ملل تحت سلطه روا داشته‌اند.

مذهب دانش آموزان را فقط با نگاه کردن به آنها تشخیص دهید. من تصمیم گرفته‌ام دیگر عبا در مدارس پوشیده نشود.»

■ **زمینه‌های حقوقی – تاریخی**

با در نظر داشتن سیاست‌های اینچینی در فرانسه در دو دهه گذشته، به نظر می‌رسد لائیسسته در فرانسه در هر دوره رو به زاک شریاک با عُمر بونگو به پایان رسیده کرده است، با این‌حال این کشور هنوز در دو دهه گذشته در فرانسه محصور قرارند و به وضوح پاریس و لیبرویل را از هم دور کرده است، با این‌حال این کشور هنوز در در سران فرانسه با نیجر قابل مقایسه نیست. گابن در آفریقای مرکزی و نیجر در غرب آفریقا واقع شده است. تحلیلگران فرانسوی معتقدند دولت گابن با یک بحران سیاسی مواجه است و نه یک بحران امنیتی چندبعدی، همچنین حضور نظامی فرانسه در گابن به لحاظ تاریخی قدیمی‌تر از نیجر است. علاوه بر این به نظر می‌رسد در گابن در مقایسه با نیجر، احساسات ضدفرانسوی کمتری وجود دارد. اپوزیسیون در گابن در جریان کودتا، فرانسه را به دلیل حمایت از خاندان بونگو سرزنش می‌کنند، اما مانند نیجر یا مالی، تاکنون هیچ ناراضیتی خاصی از فرانسه ابراز کرده‌اند.

در نهایت، برخلاف اظهار نظر صریح رئیس‌جمهور فرانسه، آفریقا با اپیدمی کودتا مواجه نیست، بلکه این اتفاقات نشان از روند و جریانی عمومی دارد. حمایت مردمی از کودتاهای نظامی به رهبری ارتش، گواهی بر پایان دوران ترویج نظم لیبرال‌دموکراسی است که در پایان دهه ۱۹۹۰ با پیروزی غرب بر شرق حاکم شد. دموکراسی‌ای که به برگزاری تشریفاتی انتخابات تقلیل یافته در چشم مردم آفریقا بسیار بی‌ارزش جلوه می‌کند.

پرونده

## رادیکالیزاسیون لائیسسته در فرانسه

در مدارس فرانسه در اواخر دهه ۱۹۸۰ و دهه ۱۹۹۰، این مسئله منشأ مجادلات وسیعی در حوزه عمومی، محافل آکادمیک و سیاسی فرانسه شد. کمیسیون استازی به درخواست ژاک شریاک در ۱۱ دسامبر ۲۰۰۳ سیاست بالا را متناسب با اصل لائیسسته تشخیص و آن را دوباره مورد تأیید قرار داد. در ادامه این فرایند، منع پوشش لباس در نمادهای آشکار مذهبی دانش آموزان مدارس عمومی را تصویب کرد و در عمل این ممنوعیت برای روسری‌های اسلامی، عمامه یا دستار سبک‌ها، کپایی یهودیان و نمادهای مسیحیان کاربرد یافت و قانون از سپتامبر ۲۰۰۴ اجرا شد.

علاوه بر این، اقدامات خود دولت‌های مختلف در رأس کار در فرانسه از سال ۲۰۰۴ به بعد نیز که به صورت پیوسته سعی در ایجاد محدودیت در این زمینه داشته‌اند، خود به رادیکالی شدن بیشتر موضوع منجر شده است. برای مثال در سال ۲۰۱۰ ممنوعیت حجاب کل صورت در انظار عمومی از سوی دولت فرانسه به تصویب رسید. همچنین در سال ۲۰۱۵، دولت قوانین مختلفی را جهت ایجاد محدودیت‌های متعدد در آزادی‌های مذهبی مسلمانان مصوب کرد که نمونه آن ممنوعیت پوشیدن روسری در محل کار بود. در سال ۲۰۱۷ نیز طبق قانون تصویب‌شده در مجلس فرانسه، مساجد و جمعیت مسلمانان این کشور که بزرگ‌ترین



جامعه مسلمانان در اروپا را تشکیل می‌دهند، تحت نظارت شدید دولتی قرار داده شدند. یک دلیل دیگر رادیکالی‌شدن لائیسسته در این کشور، عبور دولت این کشور به ویژه از دهه ۱۹۹۰ به این‌سوزا قانون ۱۹۰۵ است. بر همین اساس برخی بر این نظر تأکید دارند که سیاست‌های سختگیرانه دولت فرانسه به ویژه در قبال مسلمانان نه در راستای سیاست‌های مبتنی بر مذهب‌زدایی بلکه به منظور ایجاد شکاف در درون جامعه مسلمان این کشور است. در واقع از این منظر لائیسسته به عنوان ابزار و سلاحی در دست دولت برای مقابله با اصل دین است. چه اینکه در خود قانون ۱۹۰۵ جدایی کلیسایها از دولت آزادی انجام امور دینی به رسمیت شناخته شده بود.

■ **نقش سیاستمداران دست راستی**

مسئله دیگر در این باره به ماهیت نخبگان سیاسی و دولت در این کشور برمی‌گردد. هر چند رویکرد‌های مبتنی بر لائیسسته و زدودن نشانه‌های مذهبی یک اصل ثابت در سیاست و اجتماع فرانسوی است، اما می‌توان گفت

سیاستمداران دست راستی در این کشور همانند این دوره همواره از حامیان این دست قوانین هستند. نمونه این موضوع حزب راست میانه رنسانس به رهبری امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور کنونی این کشور است. قانون منع پوشش حجاب سال ۲۰۰۴ نیز در دوره ژاک شریاک به عنوان یک سیاستمدار راست میانه تصویب رسید. این امر در مورد قانون منع حجاب صورت در سال ۲۰۱۰ در سازه روزگوزی نیز صدق‌دارد. مارین لوین از راست‌گرایان افراطی و رقیب ماکرون در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۲ نیز با تأکید بر ممنوعیت حجاب در فرانسه گفته بود که «حجاب یک یونیفورم است که در طول زمان از سوی افرادی مورد استفاده قرار گرفته که دیدگاه رادیکالی از اسلام‌داری» وی همچنین در نظر گرفتن جریمه نقدی برای آنهاپی را که حجاب دارند نیز پیشنهاد کرده بود. در آخر باید گفت قانون ممنوعیت پوشش عبا در مدارس برخلاف وعده‌های انتخاباتی ماکرون در رسال گذشته است. او در جهت برخورداری از آرای جمعیت ۵میلیون نفری مسلمانان فرانسه در جریان یک مصاحبه با راد یو فرانسه(نفو) در مورد مسئله حجاب مسلمانان گفته بود: «من هیچ قانونی را تغییر نمی‌دم.» بر این اساس چنانچه دیده می‌شود، رادیکالی‌شدن لائیسسته در فرانسه از یک سو دارای بستری تاریخی در ساز و کارها، قوانین و نهادهای دولتی و تکوین دولت در طول بیش از یک قرن اخیر در این کشور است، از سوی دیگر رویکرد دولت برای مقابله با دین و وجود نخبگان راست‌گرا که عمدتاً سیاست‌های خود را با محوریت همکاری به سیاست‌های دین‌ستیزانه پایه‌گذاری می‌کنند، بر شدت موضوع افزوده است.